

## ترجمه کلمه به کلمه و روان متن

## ذَٰكَ هُوَ اللَّهُ (آن همان خداوند است.)

أَنْظُرُ	لِنَلِّكَ	الشَّجَرَه	ذَاتِ	الْفُصُونِ	النَّضْرَه
بنگر	به آن	درخت	دارای	شاخه‌ها	تر و تازه

به آن درختِ دارای شاخه‌های تر و تازه بنگر.

كَيْفَ	نَمَتْ	مِنْ	حَبَّةٍ	وَ	كَيْفَ	صَارَتْ	شَجَرَه
چگونه	رشد کرد	از	دانه	و	چگونه	شد	درخت

چگونه از دانه‌ای رشد کرد و چگونه درخت شد؟

فَأَبْحَثُ	وَ	قُلُ	مَنْ	ذَا	الَّذِي	يُخْرِجُ	مِنْهَا	النَّمْرَه
پس جست‌وجو کن	و	بگو	کیست	این	کسی که	درمی‌آورد	از آن	میوه

پس جست‌وجو کن و بگو این کیست که از آن [درخت] میوه را درمی‌آورد؟

وَ أَنْظُرُ	إِلَى	السَّمْسِ	الَّتِي	جَدَوْتُهَا	مُسْتَعْرَه
و بنگر	به	خورشید	که	پارهٔ آتش آن	فروزان

و به خورشیدی که پارهٔ آتشی آن فروزان است، بنگر.

فِيهَا	ضِيَاءٌ	وَ	بِهَا	حَرَاةٌ	مُنْتَشِرَه
در آن	روشنایی	و	با آن	گرما	پخش شده

در آن [خورشید] روشنایی هست و با آن گرما و حرارتی پخش شده هست.

مَنْ	ذَا	الَّذِي	أَوْجَدَهَا	فِي	الْجَوِّ	مِثْلَ	الشَّرَرَه
کیست	این	کسی که	پدید آورد آن را	در	آسمان	مثل	پارهٔ آتش

این کیست که آن [خورشید] را همانند پارهٔ آتش در آسمان پدید آورد؟

ذَٰكَ	هُوَ	اللَّهُ	الَّذِي	أَنْعَمَهُ	مِنْهُمْ
آن	او	خدا	که	نعمت‌هایش	ریزان

آن، همان خدایی است که نعمت‌هایش ریزان است.

ذُو	حِكْمَةٍ	بِالْغَيْهِ	وَ	قُدْرَةٍ	مُقْتَدِرَه
صاحب، دارای	دانش	کامل	و	توانایی	نیرومند

[خداوند] صاحب دانشی کامل و توانایی نیرومندی است.

أَنْظُرُ	إِلَى	اللَّيْلِ	فَمَنْ	أَوْجَدَ	فِيهِ	قَمَرَه
بنگر	به	شب	پس چه کسی	پدید آورد	در آن	ماه

به شب بنگر پس چه کسی در آن ماه را پدید آورد؟

وَ	زَانَةً	بِأَنْجَمِ	كَالذَّرِيرِ	الْمُنْتَشِرَه
و	زینت داد آن را	با ستاره‌ها	مانندِ مرواریدها	پراکنده

و آن را با ستارگانی مانند مرواریدهای پراکنده، زینت داد.

۱. الشَّاعِرُ: معروفُ الرَّصَافِيِّ، شَاعِرٌ عِرَاقِيٌّ مِنْ أَبِ كُرْدَيْي النَّسَبِ وَ أُمَّ تَرْكَمَانِيَّةٍ، لَهُ آثَارٌ كَثِيرَةٌ فِي النَّثْرِ وَ الشَّعْرِ.

(شاعر: معروف رصافی، شاعری عراقی از پدری کردی‌الأصل و مادری ترکمن است. او آثار بسیاری در نثر و شعر دارد.)

مَطَرَه	مِنَّه	أَنْزَلَ	فَمَنْ	الْغَيْمِ	إِلَى	وَ أَنْظُرْ
باران	از آن	فرو فرستاد	پس چه کسی	ابر	به	و بنگر

و به ابر بنگر پس چه کسی از آن باران را فرو فرستاد؟

خَصْرَه	أَغْبِرَارٍ	بَعْدَ	بِهِ	الْأَرْضِ	فَصَيَّرَ
سرسبز	غبار آلودگی	بعد	با آن	زمین	پس گردانید

پس زمین را با آن [باران] بعد از غبار آلودگی سرسبز گردانید.

بَصْرَه	فِيهِ	سَقَى	مَنْ	و	الْمَرْءِ	وَأَنْظُرْ
دیده	در او	شکافت	چه کسی	و	انسان	و بنگر

و به انسان بنگر و بگو چه کسی در او دیده [بینایی] را شکافت؟

مُفْتَكِرَه	بِقُوَّةِ	أَلَّذِي	مَنْ	جَهَّزَهُ	دَا
اندیشمند	به نیرویی	کسی که	(چه کسی) کیست	مجہز کرد او را	این

این کیست که او را [انسان] به نیرویی اندیشمند مجہز کرد؟

مَنْهَمِرَه	أَنْعَمَهُ	الَّذِي	هُوَ	ذَاكَ
ریزان	نعمت هایش	که	او	آن

آن، همان خدایی است که نعمت هایش ریزان است.

## واژگان

قَتَلَ: کُت (مضارع: يَقْتُلُ / مصدر: قَتَلَ)

قُل: بگو

كَمَّلَ: کامل کرد

(ماضی: كَمَّلَ / مضارع: يَكْمَلُ / مصدر: تَكْمِلُ)

مُسْتَعِرَة: فروزان

مُسْتَعِين: یاری جوینده (مُسْتَعِينًا بِ: با کمک)

مَطَار: فرودگاه

مَعَ الْأَسْفِي: متأسفانه

مُفْتَكِر، مُفْتَكِرَة: اندیشمند

مَنْ ذَا: این کیست؟

مَنْهَمِرَة: ریزان

نَاسِب: مناسب شد

(مضارع: يُنَاسِبُ / مصدر: مَنَاسِبَة)

نَجْم: ستاره

نَضْرَة: تر و تازه

نِعْمَة: نعمت (جمع: أَنْعَم و نِعَم)

نَفَع: سود رساند

نَمَتْ: رشد کرد (مؤنث «نَمَا»)

يُخْرِج: درمی آورد

دَارَ: چرخید (مضارع: يَدُورُ: می چرخد)

دَرَر: مرواریدها (مفرد: دَرَّة)

ذَا: این ← هَذَا

ذات: دارای

ذَاكَ: آن

ذُو: دارای

زَانَ: زینت داد (مضارع: يَزِينُ)

شَرَرَة: اخگر (پاره آتش، زبانه آتش)

سَقَى: شکافت (مضارع: يَسْقِي)

صَارَ: شد (مضارع: يَصِيرُ)

صَيَّرَ: گردانید (مضارع: يُصَيِّرُ)

ضَعَّ: بگذار (وَضَعَ: گذاشت)

ضِيَاء: روشنایی

عَدُو: دشمن

عَيَّنَ: مشخص کرد (مضارع: يُعَيِّنُ / مصدر: تَعْيِين)

عُصُون: شاخه ها (مفرد: عُصْن)

عَيْم: ابر (مترادف: سَحَاب)

فَرَاغ: جای خالی

قَاعَة: سالن

أَخْرَى: دیگر

إِغْبِرَار: تیره رنگی، غبار آلودگی

أَنْ ... که، این که ...

أَنْ أُسَافِرَ: که سفر کنم

إِنْتِظَرُ: منتظر شد (مضارع: يَنْتَظِرُ / مصدر: إِنْتِظَار)

إِنْتَفَع: سود برد (مضارع: يَنْتَفِعُ / مصدر: إِنْتِفَاع)

أَنْجَم: ستارگان (مفرد: نَجْم، نَجْمَة)

أَنْزَلَ: نازل کرد (مضارع: يَنْزِلُ / مصدر: إِنْزَال)

أَنْعَم: نعمت ها (مفرد: نِعْمَة)

أَوْجَدَ: پدید آورد (مضارع: يُوجَدُ / مصدر: إِيجَاد)

بَالِغ: کامل

تَرْجَمَ: ترجمه کن

(ماضی: تَرْجَمَ / مضارع: يَتْرَجِمُ / مصدر: تَرْجَمَة)

تَعَارَفَ: آشنایی با همدیگر

تَعَارَفُوا: همدیگر را شناختند

(مضارع: يَتَعَارَفُونَ / مصدر: تَعَارَف)

جَدُوَة: پاره آتش

جَهَّزَ: مجہز کرد (مضارع: يُجَهِّزُ / مصدر: تَجْهِيْز)

خَصْرَة: سرسبز

عُدَاوَة = عَدَاوَة دشمنی	شَرْزَة = جَدْوَة پاره آتش، زبانه آتش	رَقْد = نام خوابید	عَبِيم = سَحَاب ابر	ضِيَاء = نور روشنایی
حَبِيب = صَدِيق دوست	مُجْتَهِد = مُجَدِّد کوشا، تلاشگر	نَاجِح = مُوَفِّق، فَايِز موفق، قبول شده، پیروز	صَّرَرَ = حَسَاوَة، حُسْرَان ضرر، زیان	ثَمَر = فَاكِهَة میوه
نَظَرَ = رَأَى = شَاهَدَ نگاه کرد، دید	مَرء = إِنْسَان شخص، انسان	بَصَرَ = عَيْن دیده، چشم	هَلَكَّ = مَاتَ هلاک شد، مُرد	ذَا = هَذَا این
أَرَادِلُ ≠ أَفْضَلُ افراد پست، فرومایگان ≠ افراد برتر، شایستگان	بَيْعٌ ≠ شِرَاءٌ فروش ≠ خرید	بَدَايَة ≠ نِهَائَة آغاز ≠ پایان	بَعِيدٌ ≠ قَرِيبٌ دور ≠ نزدیک	زَرَعَ ≠ حَصَدَ کاشت ≠ برداشت کرد
حَزِينٌ ≠ مَسْرُورٌ غمگین ≠ خوشحال	يَعِيشُ ≠ يَمُوتُ زندگی می کند ≠ می میرد	رَخِيسَة ≠ غَالِيَة ارزان ≠ گران	قَصِيرٌ ≠ طَوِيلٌ کوتاه ≠ بلند	صَبَاحٌ ≠ مَسَاءٌ صبح ≠ عصر
ضِيَاءٌ ≠ ظَلَمَة روشنایی ≠ تاریکی	قَبِيحٌ ≠ جَمِيلٌ زشت ≠ زیبا	قَلِيلٌ ≠ كَثِيرٌ کم، اندک ≠ زیاد	لَيْلٌ ≠ نَهَارٌ شب ≠ روز	رَاسِبٌ ≠ نَاجِحٌ، فَايِزٌ مردود ≠ قبول، برنده
يَيْسٌ ≠ رَجَا ناامید شد ≠ امیدوار شد	يَنْفَعُ ≠ يَضُرُّ سود می رساند ≠ ضرر می رساند	مَمْنُوعٌ ≠ مَسْمُوحٌ غیرمجاز ≠ مجاز	حَبِيبٌ ≠ عَدُوٌّ دوست ≠ دشمن	صِدْقٌ ≠ كَذِبٌ راستی ≠ دروغ
عَدَاً ≠ أَمْسٌ فردا ≠ دیروز	حَرَاوَة ≠ بَرُودَة گرما ≠ سرما	ذَا ≠ ذَاكَ این ≠ آن	حَكْمَة ≠ جَهْلٌ دانش، علم ≠ نادانی	كَامِلٌ، بَالِغٌ ≠ نَاقِصٌ کامل ≠ ناتمام
أَحْجَارٌ ← حَجَرٌ سنگ	أَرَادِلٌ ← أَرْدَلٌ فرد پست تر	أَفْضَلٌ ← أَفْضَلُ فرد برتر	أَنْجُمٌ، نَجْمٌ ← نَجْمٌ ستاره	فُصُولٌ ← فَصْلٌ فصل
أَنْعَمٌ، نِعْمٌ ← نِعْمَةٌ نعمت	أَلْوَانٌ ← لَوْنٌ رنگ	دَرَرٌ ← دَرٌّ مرورید	عُصُونٌ، أَغْصَانٌ ← عُصْنٌ شاخه	أَنْفُسٌ ← نَفْسٌ خود، نفس
أَبْوَابٌ ← بَابٌ در	أَعْدَادٌ ← عِدَدٌ عدد	أَيَّامٌ ← يَوْمٌ روز	أَصْدِقَاءٌ ← صَدِيقٌ دوست	عَقَارِبٌ ← عَقْرِبَة عقربه
جِبَالٌ ← جَبَلٌ کوه	أَرَاظِي ← أَرْضٌ زمین	أَدَلَّةٌ ← دَلِيلٌ راهنما	أَشْجَارٌ ← شَجَرٌ درخت	حُبُوبٌ ← حَبَّةٌ، حَبٌّ دانه

مترادف

متضاد

جمع مکسر

## قواعد

## آنچه گذشت ...

در سال‌های گذشته با قواعد زبان عربی آشنا شدید. لغت‌های زیادی که در گفت‌وگوهای روزمره از آن‌ها استفاده می‌شود، یاد گرفتید. در این درس می‌خواهیم مروری کوتاه بر قواعد داشته باشیم تا اگر چیزهایی از خاطرتان رفته باشد، یادآوری کنیم و به خاطر بیاورید.

- تقسیم‌بندی کلمه
- ۱- اسم
  - ۲- فعل
  - ۳- حرف

**نکته** تمام ضمایر، اسم‌های اشاره، کلماتی مانند: «الَّذِي، الَّتِي، ...»، کلمات پرسشی به جز «هَلْ، أ» و کلمات «مَنْ: هر کس» و «مَا: هر چه» جزو اسم‌ها هستند.

## اسم

علامت خاصی ندارد و در جانداران به جنس نر دلالت می‌کند. مانند: رَجُل (مرد)، کتاب	مذکر	اسم از نظر جنس
علامت اصلی آن «ة / ة» است و در جانداران بر جنس ماده دلالت می‌کند. مانند: إمْرأة (زن)، مِنْضَة (میز)، طالِبَة (دانشجوی دختر)	مؤنث	

## نکات

- در برخی کلمات مؤنث در زبان عربی این علامت وجود ندارد، ولی این کلمات را جزو اسم‌های مؤنث به شمار می‌آورند؛ مانند: شمس (خورشید)، أرض (زمین)، ریح (باد)، نار (آتش)، حرب (جنگ)، نفس (خود) و ... که به آن‌ها مؤنث معنوی<sup>۱</sup> گویند.
- برخی اسم‌ها نیز علامت تأنیث ندارند، ولی در واقعیت، این کلمات فقط بر جنس ماده دلالت می‌کنند؛ مانند «أُم: مادر»، «بِنْت: دختر»، «مَرِيَم: مریم»، «أَخْت: خواهر»
- اسم شهرها و کشورها هم مؤنث هستند. مانند: إصفهان، ایران و ...
- اعضای زوج بدن نیز مؤنث هستند؛ مانند: عَيْن (چشم)، يَد (دست)، قَدَم (پا) و ...
- برخی اسم‌های مذکر دارای علامت «ة»، «ة» هستند، ولی این کلمات مذکر هستند (مؤنث لفظی): مانند: حمزة، طلحة

بر یک نفر یا یک شیء دلالت می‌کند. مانند: طالب، کتاب	مفرد	اسم از نظر تعداد
بر دو نفر یا دو شیء دلالت می‌کند. مانند: طالبان، طالبین	مثنی	
بر سه نفر یا سه چیز یا بیش تر دلالت می‌کند. مانند: طَلَّاب، طالبات، طالبون	جمع	
با افزودن «وَن» و «يَن» بر آخر اسم مفرد مذکر ساخته می‌شود. مانند: مؤمنون، مؤمنين	جمع مذکر سالم	انواع جمع
با افزودن «ات» بر آخر اسم مفرد مؤنث ساخته می‌شود. مانند: مؤمنات	جمع مؤنث سالم	
جمعی است که قاعده خاصی ندارد و سماعی (شنیدنی) است. مانند: كُتُب ← كِتَاب / طَلَّاب ← طَالِب	جمع مکسر	

## نکات

- برای تشخیص جنس (مذکر یا مؤنث) در جمع‌های مکسر باید به مفرد آن‌ها توجه کنیم. مانند: مَدَارِس ← مَدْرَسَة: مؤنث، كُتُب ← كِتَاب: مذکر
- در برخی کلمات علامت‌های مثنی و جمع مذکر و مؤنث سالم وجود دارد ولی باید به مفرد آن‌ها دقت کرد تا تعداد اسم را تشخیص داد. اصوات ← صَوْت (جمع مکسر) / شياطين ← شيطان (جمع مکسر) / عُثْمَان ← مفرد
- برخی از مهم‌ترین وزن‌های جمع مکسر عبارت‌اند از: أفعال (أفراد)، مفاعِل (مکاتِب)، مفاعيل (مصایح)، فِعال (رجال)
- دقت کنید، «نون» در اسم‌های مثنی، مکسور (ن) و در اسم‌های جمع مذکر، مفتوح (ن) است.
- جمع‌های مکسر غیر عاقل در زبان عربی مانند مفرد مؤنث هستند؛ یعنی اسم اشاره، ضمیر، فعل و ... برای آن‌ها به صورت مفرد مؤنث می‌آید. مانند: هَذِهِ كُتُبٌ.

## اسم اشاره

مذکر: هَذَا، ذَا (این)	مفرد	نزدیک	اسم اشاره
مؤنث: هَذِهِ (این)			
مذکر: هَذَانِ، هَذَيْنِ (این دو)			
مؤنث: هَاتَانِ، هَاتَيْنِ (این دو)			
مذکر یا مؤنث: هَؤُلَاءِ (اینان)	جمع		
مذکر: ذَلِكَ؛ ذَاكَ (آن)	مفرد	دور	
مؤنث: تِلْكَ (آن)			
مذکر یا مؤنث: أُولَئِكَ (آنان)			جمع

۱. هر اسم مؤنثی که علامت مؤنث «ة، ة»، «اء، ی، ا» (این حروف جزء حروف زائد هستند) را نداشته باشد به آن مؤنث معنوی گویند.



## اوزان

اگر در یک کلمه، به جای حروف اصلی آن کلمه، به ترتیب «ف، ع، ل» را قرار دهیم، وزن آن کلمه به دست می‌آید.  
 علم ← حروف اصلی (ع ل م) ← فَعِيل ← حروف اصلی (ع ل م) ← مَفْعُول  
 مَجْتَهِد ← حروف اصلی (ج ه د) ← مُفْتَعِل ← حروف اصلی (خ ر ج) ← اِسْتِفْعَال

## فعل و ضمیر

فعل: به کلمه‌ای گفته می‌شود که بر انجام دادن کار یا روی دادن حالتی در گذشته، حال و آینده دلالت می‌کند.

ماضی	ذَهَبَ: رفت	انواع فعل
مضارع	يَذْهَبُ: می‌رود	
امر	اِذْهَبْ: برو	
نهی	لا يَذْهَبْ: نمی‌رود	
نهی	لا تَذْهَبْ: نرو	

## صِيغُ الْأَفْعَالِ (صیغه‌های فعل‌ها)

نام شخص به فارسی و صیغه به عربی	ضمیر	ماضی	مضارع	امر	نهی
اول شخص مفرد	من أنا	فَعَلْتُ	أَفْعَلُ	—	—
ترجمه		انجام دادم	انجام می‌دهم		
دوم شخص مفرد	تو أَنْتَ	فَعَلْتَ	تَفْعَلُ	اِفْعَلْ	لا تَفْعَلْ
مفرد مذکر مخاطب	تو أَنْتَ	فَعَلْتِ	تَفْعَلِينَ	اِفْعَلِي	لا تَفْعَلِي
مفرد مؤنث مخاطب		انجام دادی	انجام می‌دهی	انجام بده	انجام نده
سوم شخص مفرد	او هُوَ	فَعَلَ	يَفْعَلُ	—	—
مفرد مؤنث غایب	او هِيَ	فَعَلَتْ	تَفْعَلُ	—	—
مفرد مؤنث غایب		انجام داد	انجام می‌دهد		
اول شخص جمع	ما نَحْنُ	فَعَلْنَا	نَفْعَلُ	—	—
ترجمه		انجام دادیم	انجام می‌دهیم		
دوم شخص جمع	شما أَنْتُمْ	فَعَلْتُمْ	تَفْعَلُونَ	اِفْعَلُوا	لا تَفْعَلُوا
جمع مؤنث مخاطب	شما أَنْتُنَّ	فَعَلْتُنَّ	تَفْعَلْنَ	اِفْعَلْنَ	لا تَفْعَلْنَ
مثنی مذکر مخاطب	شما أَنْتُمَا	فَعَلْتُمَا	تَفْعَلَانِ	اِفْعَلَا	لا تَفْعَلَا
مثنی مؤنث مخاطب	شما أَنْتُمَا	فَعَلْتُمَا	تَفْعَلَانِ	اِفْعَلَا	لا تَفْعَلَا
ترجمه		انجام دادید	انجام می‌دهید	انجام بدهید	انجام ندهید
سوم شخص جمع	ایشان هُمْ	فَعَلُوا	يَفْعَلُونَ	—	—
جمع مؤنث غایب	ایشان هُنَّ	فَعَلْنَ	يَفْعَلْنَ	—	—
مثنی مذکر غایب	ایشان هُمَا	فَعَلَا	يَفْعَلَانِ	—	—
مثنی مؤنث غایب	ایشان هُمَا	فَعَلْتَا	تَفْعَلَانِ	—	—
ترجمه		انجام دادند	انجام می‌دهند		

← معادل اسم صیغه‌ها به زبان عربی عبارت‌اند از:

اول شخص مفرد ← **لِلْمَتَكَلِّمِ وَحْدَهُ**

دوم شخص مفرد ← **لِلْمَخَاطَبِ** (مفرد مذکر مخاطب) / **لِلْمَخَاطِبَةِ** (مفرد مؤنث مخاطب)

سوم شخص مفرد ← **لِلْغَائِبِ** (مفرد مذکر غایب) / **لِلْغَائِبَةِ** (مفرد مؤنث غایب)

اول شخص جمع ← **لِلْمَتَكَلِّمِ مَعَ الْغَيْرِ**

دوم شخص جمع ← **لِلْمَخَاطِبِينَ** (مثنی مذکر مخاطب) / **لِلْمَخَاطِبَاتِينَ** (مثنی مؤنث مخاطب) / **لِلْمَخَاطِبِينَ** (جمع مذکر مخاطب) / **لِلْمَخَاطِبَاتِ** (جمع مؤنث مخاطب)

سوم شخص جمع ← **لِلْغَائِبِينَ** (مثنی مذکر غایب) / **لِلْغَائِبَاتِينَ** (مثنی مؤنث غایب) / **لِلْغَائِبِينَ** (جمع مذکر غایب) / **لِلْغَائِبَاتِ** (جمع مؤنث غایب)

**نکته** معادل فعل ماضی استمراری فارسی در زبان عربی به صورت «کان + فعل مضارع» است. **مثال** هو کان یذهب: او می‌رفت.

**یادآوری:** طریقه ساخت فعل امر: ۱- مضارع مخاطب ← (تَذْهَبُ، تَذْهَبَانِ) ۲- حذف حرف مضارعه از ابتدای فعل ← (ذُهِبْ، ذُهِبَانِ) ۳- آوردن همزه و مشخص کردن حرکت آن براساس حرکت عین‌الفعل ← (اَذْهَبْ، اِذْهَبَانِ) (اگر حرکت عین‌الفعل فتحه یا کسره باشد حرکت همزه کسره است و اگر حرکت عین‌الفعل ضمه باشد حرکت همزه ضمه است). ۴- ساکن کردن حرف آخر یا حذف نون به‌جز نون جمع مؤنث ← (اِذْهَبْ، اِذْهَبَا)

### حرف

به کلماتی گفته می‌شود که به تنهایی معنا نمی‌دهند و با اسم و فعل معنا پیدا می‌کنند؛ **مثال** فی (در)، علی (بر، روی)، مِنْ (از) و ...

### ترکیب وصفی و اضافی

هرگاه دو اسم پشت سرهم بیایند، ما با ترکیب اضافی یا ترکیب وصفی روبه‌رو هستیم.

#### ترکیب وصفی

در این ترکیب به اسم اول موصوف و به اسم دوم صفت می‌گویند. (**کتابٌ مفیدٌ**)  
موصوف صفت

**نکته** صفت و موصوف از لحاظ شکل ظاهری شبیه به هم هستند. (مطابقت: در جنس، در تعداد، در داشتن یا نداشتن (ال) و در حرکت)

**مثال** کتابٌ مفیدٌ، کتابانِ مفیدانِ

**نکته** صفت برای جمع‌های مکسر غیر عاقل به شکل مفرد مؤنث می‌آید. (الدَّرَرُ الْمُنْتَشِرَةُ)

**نکته** گاهی برای یک اسم، هم صفت می‌آید و هم مضاف‌الیه؛ مثلاً در زبان فارسی می‌گوییم: کتاب مفید من، یعنی ابتدا موصوف (مضاف) و بعد از آن صفت و در آخر مضاف‌الیه را می‌آوریم، ولی در زبان عربی ابتدا موصوف (مضاف) و بعد از آن مضاف‌الیه و در آخر صفت می‌آید: کتابی المفید

#### ترکیب اضافی

در این ترکیب به اسم اول مضاف و به اسم دوم مضاف‌الیه می‌گویند. (**کتابٌ المعلمِ**)  
مضاف مضاف‌الیه

**نکته** مضاف هیچ‌گاه (ال) و (تنوین) نمی‌گیرد. **الکتابُ المعلمِ: x** کتابُ المعلمِ: x کتابُ المعلمِ: ✓

**نکته** مضاف‌الیه می‌تواند، یک اسم خاص یا اسم «ال» دار یا ضمیر متصل و یا یک اسم تنوین دار باشد.

**مثال** کتابٌ علیٍّ - کتابُ المعلمِ - کتابٌ طالبٍ  
اسم خاص اسم (ال دار) ضمیر متصل اسم تنوین دار

**نکته** هرگاه اسم مثنی و جمع مذکر سالم، مضاف واقع شوند، «نون» آخر آن‌ها حذف می‌شود.

**مثال** معلّمانِ المَدْرِسَةِ ← معلّما المَدْرِسَةِ / معلّمونَ المَدْرِسَةِ ← معلّمو المَدْرِسَةِ

## مکالمه

### جوازُ (التعازف)

گفت‌وگو (آشنایی با یکدیگر)

<p>أَحَدَ الْمُؤَظَّفِينَ فِي قَاعَةِ الْمَطَارِ (یکی از کارمندان در سالن فرودگاه) وَ عَلَيْكُمْ السَّلَامُ وَ رَحْمَةُ اللَّهِ وَ بَرَكَاتُهُ. (درود و رحمت و برکات خداوند بر شما باد.) صَبَاحَ النَّوْرِ وَ الشَّرْوِ. (صبح [شما] پر از نور و خوشی باد.) أَنَا بِخَيْرٍ، وَ كَيْفَ أَنْتَ؟ (من خوبم و تو چطوری؟) عَفْوًا، مِنْ أَيْنَ أَنْتَ؟ (بیخشید، تو کجایی هستی؟) مَا اسْمُكَ الْكَرِيمُ؟ (اسم شریفت چیست؟) إِسْمِي عَبْدُ الرَّحْمَنِ. (اسم من عبدالرحمان است.) لَا مَعَ الْأَسْفِ. لِكَيْتِي أَحِبُّ أَنْ أَسَافِرَ. (نه متأسفانه. اما دوست دارم که سفر کنم.) إِنْ شَاءَ اللَّهُ؛ إِلَى الْلِقَاءِ مَعَ السَّلَامَةِ. (اگر خدا بخواهد؛ به امید دیدار؛ به سلامت.) فِي أَمَانِ اللَّهِ وَ حِفْظِهِ، يَا حَبِيبِي. (در پناه و حفظ خدا باشی، ای دوستم.)</p>	<p>زَائِرُ مَرْقَدِ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ (زیارت‌کننده) آرامگاه امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) السَّلَامُ عَلَيْكُمْ. (درود بر شما.) صَبَاحَ الْخَيْرِ يَا أَخِي. (صبح به خیر ای برادرم.) كَيْفَ حَالُكَ؟ (حالت چطور است؟) بِخَيْرٍ وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ. (خوبم، سپاس و شکر خدا) أَنَا مِنَ الْجُمْهُورِيَّةِ الْإِسْلَامِيَّةِ الْإِيرَانِيَّةِ. (من از جمهوری اسلامی ایران هستم.) إِسْمِي حُسَيْنٌ وَ مَا اسْمُكَ الْكَرِيمُ؟ (اسم من حسین است و اسم شریف تو چیست؟) هَلْ سَافَرْتَ إِلَى إِيْرَانِ حَتَّى الْآنَ؟ (آیا تا به حال به ایران سفر کردی؟) إِنْ شَاءَ اللَّهُ تَسَافِرُ إِلَى إِيْرَانِ! (اگر خدا بخواهد به ایران سفر می‌کنی!) فِي أَمَانِ اللَّهِ. (در پناه خدا.)</p>
--	---

## تمارین کتاب درسی

۱- اَلتَّنْبِيْهُنَّ الْاَوَّلُ: كَمَلْ تَرْجَمَةَ الْاَيَاتِ وَ الْاَحَادِيْثِ التَّالِيَةِ. (ترجمه آیات و حدیث‌های زیر را کامل کن.)

۱- «وَ اجْعَلْ لِي لِسَانَ صِدْقٍ فِي الْاٰخِرِيْنَ» الشُّعْرَاءُ: ۸۴

و برای من یاد نیکو در .....

(میان) آیندگان قرار بده.

۲- «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لِمَ تَقُولُونَ مَا لَا تَفْعَلُونَ» الصَّف: ۲

ای کسانی که ایمان آورده‌اید، .....

چرا چیزی (سخنی) را می‌گویید که انجام نمی‌دهید (عمل نمی‌کنید)؟

۳- «وَ اَعْمَلُوا صَالِحًا إِنِّي بِمَا تَعْمَلُونَ عَلِيمٌ» الْمُؤْمِنُونَ: ۵۱

و کار نیکو .....

انجام دهید. به راستی که من به آن چه انجام می‌دهید، آگاه هستم.

۴- «رَبَّنَا لَا تَجْعَلْنَا مَعَ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ» الْأَعْرَافُ: ۴۷

پروردگارا، .....

ما را همراه (در جایگاه) گروه ستم‌کاران قرار نده.

۵- «لَا تَنْظُرُوا إِلَى كَثْرَةِ صَلَاتِهِمْ وَ صَوْمِهِمْ وَ كَثْرَةِ الْحَجِّ... وَ لَكِنْ انظُرُوا إِلَى صِدْقِ الْحَدِيثِ وَ اَدَاءِ الْأَمَانَةِ.» رَسُولُ اللَّهِ ﷺ

به بسیاری ..... و روزه‌شان و بسیاری حج‌گزاران ..... بلکه به ..... و امانتداری آن‌ها .....

نمازشان - ننگرید، راستی سخن - بنگرید

۶- «إِرْحَمْ مَنْ فِي الْأَرْضِ يَرْحَمُكَ مَنْ فِي السَّمَاءِ.» رَسُولُ اللَّهِ ﷺ

به کسی که در زمین است .....

رحم کن تا کسی که در آسمان است به تو رحم کند.

۷- «أَطْلُبُوا الْعِلْمَ وَ لَوْ بِالصَّيْنِ فَإِنَّ ظَلَبَ الْعِلْمِ فَرِيضَةٌ.» رَسُولُ اللَّهِ ﷺ

دانش را طلب کنید گرچه ..... ، زیرا طلب دانش ..... در چین باشد - واجب دینی است.



☆ التَّمْرِينُ الثَّانِي: اقرأ الأحاديث التالية ثم عَيِّنْ تَرْجَمَتَهَا الصَّحِيحَةَ. (حديث‌های زیر را بخوان سپس ترجمه درستشان را مشخص کن.)

- ۱- «إِعْمَلْ لِدُنْيَاكَ كَأَنَّكَ تَعِيشُ أَبَدًا وَاعْمَلْ لِآخِرَتِكَ كَأَنَّكَ تَمُوتُ غَدًا.» رَسُولُ اللَّهِ ﷺ  
 برای (دنیایت)  دنیا  چنان کار کن گویی همیشه (زندگی می‌کنی)  لذت می‌بری  و برای آخرت چنان کار کن گویی (فردا می‌میری)   
 نزدیک است (بمیری) .
- ۲- «أَنْظُرْ إِلَى مَا قَالَ وَلَا تَنْظُرْ إِلَيَّ مِنْ قَالَ.» أمير المؤمنين عليّ عليه السلام  
 به آن چه گفته است (بنگر)  می‌نگرم  و به آن که گفته است (بنگر)  نمی‌نگرم .
- ۳- «إِذَا مَلَكَ الْأَرَادِلُ هَلَكَ الْأَفْاضِلُ.» أمير المؤمنين عليّ عليه السلام  
 هرگاه فرومایگان (به فرمانروایی برسند)  گرامی شوند ؛ شایستگان هلاک می‌شوند.
- ۴- «مَنْ زَرَعَ الْعُدْوَانَ حَصَدَ الْخُسْرَانَ.» أمير المؤمنين عليّ عليه السلام  
 هر کس (دشمنی)  دوستی  کاشت؛ (زیان)  سود  درو کرد.
- ۵- «الْكَلَامُ كَالدَّوَاءِ؛ قَلِيلُهُ يَنْفَعُ وَكَثِيرُهُ قَاتِلٌ.» أمير المؤمنين عليّ عليه السلام  
 سخن مانند داروست؛ اندکش (سود می‌رساند)  شفا می‌دهد  و بسیارش گشنده است.
- ۶- «إِذَا قَدَرْتَ عَلَى عَدُوِّكَ؛ فَاجْعَلِ الْعَفْوَ عَنْهُ شُكْرًا لِلْقُدْرَةِ عَلَيْهِ.» أمير المؤمنين عليّ عليه السلام  
 هرگاه بر (دشمنت قادر شدی)  دشمن را شکست دادی ، بخشیدن او را شکرانه قدرت یافتن بر او (قرار می‌دهی)  قرار بده .
- ۷- قَوْلُ «لَا أَعْلَمُ» نِصْفُ الْعِلْمِ. أمير المؤمنين عليّ عليه السلام  
 گفتن (می‌دانم)  نمی‌دانم ، نیمی از دانش است.

☆ التَّمْرِينُ الثَّلَاثُ: ضَعُ فِي الدَّائِرَةِ الْعَدَدَ الْمُنَاسِبِ. «كَلِمَةٌ وَاحِدَةٌ زَائِدَةٌ.» (در دایره عدد مناسب را بگذار. «یک کلمه اضافه است.»)

- ۱- الْأَشْرَبَةُ (اخگر)  الف: مِنَ الْأَحْجَارِ الْجَمِيلَةِ الْعَالِيَةِ ذَاتِ اللَّوْنِ الْأَبْيَضِ. (از سنگ‌های زیبای گران قیمت دارای رنگ سفید)
- ۲- الشَّمْسُ (خورشید)  ب: جَذْوَتُهَا مُسْتَعْرَبَةٌ، فِيهَا ضِيَاءٌ وَبِهَا حَرَارَةٌ مُنْتَشِرَةٌ. (پاره آتشش فروزان است، نورانی است و گرمایش پراکنده است.)
- ۳- الْقَمَرُ (ماه)  ج: كَوَكَبٌ يَدْوُرُ حَوْلَ الْأَرْضِ؛ ضِيَاؤُهُ مِنَ الشَّمْسِ. (سیاره‌ای که به دور زمین می‌چرخد؛ نورش از خورشید است.)
- ۴- الْأَنْعَمُ (نعمت‌ها)  د: بُخَارٌ مُتْرَاكِمٌ فِي السَّمَاءِ يَنْزِلُ مِنْهُ الْمَطَرُ. (بخاری فشرده در آسمان که از آن باران می‌بارد.)
- ۵- الْأَلْيَمُ (ابر)  هـ: مِنَ الْمَلَابِسِ النَّسَائِيَةِ ذَاتِ الْأَلْوَانِ الْمُخْتَلِفَةِ. (از لباس‌های زنانه دارای رنگ‌های گوناگون)
- ۶- الْفَسْتَانُ (پیراهن زنانه)  و: قِطْعَةٌ مِنَ النَّارِ. (پاره‌ای از آتش)
- ۷- الدَّرَزُ (مرواریدها)

✓ پاسخ:

۱- (و) ۲- (ب) ۳- (ج) ۴- (اضافه آمده) ۵- (د) ۶- (هـ) ۷- (الف)

☆ التَّمْرِينُ الرَّابِعُ: ضَعُ هَذِهِ الْجُمْلَ وَ التَّرَاكِيِبَ فِي مَكَانِهَا الْمُنَاسِبِ. (این جمله‌ها و ترکیب‌ها را در جای مناسبش قرار بده.)

هُؤْلَاءِ فَائِزَاتٌ / هُذَانِ الدَّلِيلَانِ / تِلْكَ بَطَارِيئُهُ / أَوْلِيكَ الصَّالِحُونَ / هُؤْلَاءِ الْأَعْدَاءُ / هَاتَانِ الرَّجَايَتَانِ

مفرد مؤنث	مثنی مذکر	مثنی مؤنث	جمع مذکر سالم	جمع مؤنث سالم	جمع مکسر
تلك بطاريئُهُ	هُذَانِ الدَّلِيلَانِ <sup>۱</sup>	هَاتَانِ الرَّجَايَتَانِ	أَوْلِيكَ الصَّالِحُونَ	هُؤْلَاءِ فَائِزَاتٌ <sup>۲</sup>	هُؤْلَاءِ الْأَعْدَاءِ
آن باتری است.	این دو راهنما	این دو شیشه	آن درستکاران	این‌ها برندگان هستند.	این دشمنان

۱. اگر بعد از اسم اشاره مثنی یا جمع، مشارالیه دارای (ال) باشد (الدَّلِيلَانِ، الرَّجَايَتَانِ، الصَّالِحُونَ و ...)، اسم اشاره به صورت مفرد ترجمه می‌شود.

۲. اگر بعد از اسم اشاره مثنی یا جمع، مشارالیه بدون (ال) باشد (فائزات و ...)، اسم اشاره بر اساس مثنی یا جمع بودن خودش ترجمه می‌شود.

● **التَّمْرِينُ الْخَامِسُ:** ضِعُّ الْمُتَرَادِفَاتِ وَ الْمُتَضَادَّاتِ فِي مَكَانِهَا الْمُنَاسِبِ. (مترادفها و متضادها را در مکان مناسبش بگذار.) ≠

ضیاء / نام / ناجح / مسرور / قریب / جمیل / نه‌ایه / یمین / عالیه / شراء / مسموح / مجّد

حزین ≠ مسرور غمگین ≠ خوشحال	یسار ≠ یمین چپ ≠ راست	راسب ≠ ناجح مردود ≠ قبول	رخیصه ≠ عالیه ارزان ≠ گران
مُجْتَهِدٌ = مُجِدّد تلاشگر	بعید ≠ قریب دور ≠ نزدیک	بداية ≠ نه‌ایه آغاز ≠ پایان	بئع ≠ شراء فروش ≠ خرید
ممنوع ≠ مسموح غیرمجاز ≠ مجاز	نور = ضیاء روشنایی	قَبیحٌ ≠ جَمیل زشت ≠ زیبا	رَقَدٌ = نام خوابید

● **التَّمْرِينُ السَّادِسُ:** أَرَسْمُ عَقَارِبِ السَّاعَاتِ. (عقربه‌های ساعت‌ها را بکش.)



التَّاسِعَةُ إِلَّا رُبْعاً

یک ربع مانده به نه (هشت و چهل و پنج دقیقه)



التَّامَّةُ وَ النِّصْفُ

هشت و نیم (هشت و سی دقیقه)



الْخَامِسَةُ وَ الرَّبْعُ

پنج و ربع (پنج و پانزده دقیقه)

### أَلْبَحْثُ الْعِلْمِيُّ (پژوهش علمی)

إِبْحَثْ فِي الْإِنْتَرْنِتِ أَوْ الْمَكْتَبَةِ عَنْ نَصِّ قَصِيرٍ أَوْ جَمَلٍ بِاللُّغَةِ الْعَرَبِيَّةِ حَوْلَ عَظَمَةِ مَخْلُوقَاتِ اللَّهِ، ثُمَّ تَرَجِّمُهُ إِلَى الْفَارْسِيَّةِ مُسْتَعِيناً بِمُعْجَمٍ عَرَبِيٍّ - فَارِسِيٍّ. - در اینترنت یا کتابخانه به دنبال متنی کوتاه یا جمله‌هایی به زبان عربی دربارهٔ بزرگی و عظمت آفریده‌های خداوند بگرد، سپس آن را با استفاده از واژه‌نامهٔ عربی - فارسی، به فارسی ترجمه کن.

جِبَالٌ كَبِيرَةٌ فِي مَدِينَةِ بَدْرَةَ بِمَحَافِظَةِ إِيْلَامِ  
کوه‌های کبیرکوه در شهر بدره در استان ایلام

﴿ وَ يَتَفَكَّرُونَ فِي خَلْقِ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ رَبَّنَا مَا خَلَقْتَ هَذَا بَطْلًا ﴾ آل عمران: ۱۹۱

«و در آفرینش آسمان‌ها و زمین می‌اندیشند [و می‌گویند] پروردگارا! این را بیهوده نیافریدی.»

### سؤالات امتحانی درس

#### مهارت واژه‌شناسی

الف) تَرَجِّمُ مَا تَحْتَهُ حُطًّا: (آن چه زیرش خط است را ترجمه کن.)

۱- أَنْظُرْ إِلَى الْغَيْمِ / فَمَنْ أَنْزَلَ مِنْهُ مَطَرَهُ: .....

۲- مَنْ شَقَّ فِي الْمَرْءِ الْبَصَرَ: .....

۳- مَنْ زَرَعَ الْعُدُونَ حَصَدَ الْحُسْرَانَ: .....

۴- الشَّرْرَةُ قِطْعَةٌ مِنَ النَّارِ: .....

ب) اجْعَلْ (=) فِي الْفَرَاقَاتِ: (در جاهای خالی (=) قرار بده.)

۵- رَخِيصَةٌ  غَالِيَةٌ مَمْنُوعٌ  مَسْمُوحٌ

نورٌ  ضوءٌ رَقَدٌ  نامٌ

ناجحٌ  فائِزٌ

یسارٌ  یمینٌ

ج. اُكْتُبْ مَفْرَدًا أَوْ جَمْعَ الْكَلِمَاتِ التَّالِيَةِ: (مفرد یا جمع کلمات زیر را بنویس.)

۶-

أَفْضَلُ ← ..... أَغْصَانُ ← ..... دُرٌّ ← .....  
نَفْسٌ ← ..... أَصْدِقَاءُ ← ..... جَبَلٌ ← .....

د. عَيِّنِ الْكَلِمَةَ الَّتِي لَا تَنَاسِبُ الْكَلِمَاتِ الْأُخْرَى فِي الْمَعْنَى: (کلمه ای که با کلمات دیگر در معنا تناسب ندارد را مشخص کن.)

- |  |                                    |                                    |                                    |
|--|------------------------------------|------------------------------------|------------------------------------|
| <input type="checkbox"/> ۷- حَبَّةٌ    | <input type="checkbox"/> شَجَرَةٌ  | <input type="checkbox"/> ضِيَاءٌ   | <input type="checkbox"/> نَضْرَةٌ  |
| <input type="checkbox"/> ۸- أَنْجُمٌ   | <input type="checkbox"/> دُرٌّ     | <input type="checkbox"/> كَوَاكِبٌ | <input type="checkbox"/> غَيْمٌ    |
| <input type="checkbox"/> ۹- سَمَاءٌ    | <input type="checkbox"/> مَطَرٌ    | <input type="checkbox"/> أَرْضٌ    | <input type="checkbox"/> بَالِغٌ   |
| <input type="checkbox"/> ۱۰- فِسْتَانٌ | <input type="checkbox"/> سِرْوَالٌ | <input type="checkbox"/> قَمِيصٌ   | <input type="checkbox"/> غَالِيَةٌ |

### مهارت ترجمه به فارسی

هـ. تَرْجِمِ الْعِبَارَاتِ التَّالِيَةَ بِالْفَارْسِيَّةِ: (عبارت های زیر را به فارسی ترجمه کن.)

- ۱۱- أَنْظُرْ لِتِلْكَ الشَّجَرَةِ ذَاتِ الْعُصُونِ النَّضْرَةِ.  
۱۲- تِلْكَ الشَّجَرَةُ نَمَتْ مِنْ حَبَّةٍ وَ صَارَتْ شَجَرَةً.  
۱۳- ذَلِكَ هُوَ اللَّهُ الَّذِي جَهَّزَ الْمَرْءَ بِقُوَّةٍ مُفْتَكِرَةٍ.  
۱۴- اللَّهُ أَنْزَلَ الْمَطَرَ مِنَ الْعَيْمِ فَيَصِيرُ الْأَرْضَ بِه بَعْدَ إِغْبَارِ خَصِرَةٍ.  
۱۵- أَيُّهَا الطَّالِبُ، إِحْتِمْ وَ قُلْ: مَنْ ذَا الَّذِي يُخْرِجُ مِنَ الشَّجَرَةِ التَّمْرَةَ؟!  
۱۶- لِلشَّمْسِ ضِيَاءٌ وَ جَدْوَتْهَا مُسْتَعْرَةٌ وَ فِيهَا نَوْرٌ وَ بِهَا حَرَارَةٌ مُنْتَشِرَةٌ.  
۱۷- هَلْ تَعْلَمُ مَنْ ذَا الَّذِي أَوْجَدَ الشَّمْسَ فِي الْجَوِّ مِثْلَ الشَّرَرَةِ.  
۱۸- ذَلِكَ هُوَ اللَّهُ الَّذِي أَنْعَمَهُ مِنْهُمُ مَهْمِرَةٌ وَ ذُو حِكْمَةٍ بِالْغَةِ.  
۱۹- أَوْجَدَ اللَّهُ فِي اللَّيْلِ الْقَمَرَ وَ زَانَةَ بِأَنْجَمٍ كَالدَّرِّ الْمُنْتَشِرَةِ.  
۲۰- يُنْزِلُ اللَّهُ مِنَ الْغَيْمِ الْمَطَرَ.  
۲۱- «إِزْحَمَ مَنْ فِي الْأَرْضِ يَزْحَمُكَ مَنْ فِي السَّمَاءِ»  
۲۲- إِعْمَلْ لِدُنْيَاكَ كَأَنَّكَ تَعِيشُ أَبَدًا وَ اَعْمَلْ لِآخِرَتِكَ كَأَنَّكَ تَمُوتُ غَدًا.  
۲۳- الْفُسْتَانُ مِنَ الْمَلَابِسِ التَّسَائِيَةِ ذَاتِ الْأَلْوَانِ الْمُخْتَلِفَةِ.  
۲۴- إِحْتِمْ فِي الْإِنْتَرْنِتِ أَوْ الْمَكْتَبَةِ عَنْ نَصِّ قَصِيرٍ حَوْلَ عَظْمَةِ مَخْلُوقَاتِ اللَّهِ.  
۲۵- «وَ يَتَفَكَّرُونَ فِي خَلْقِ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ رَبَّنَا مَا خَلَقْتَ هَذَا بَاطِلًا»  
۲۶- جِبَالٌ كَبِيرُكُوهُ فِي مَدِينَةٍ بَدْرَةٍ بِمُحَافَظَةِ إِيلَامِ.  
۲۷- الْكَلَامُ كَالدَّوَاءِ؛ قَلِيلُهُ يَنْفَعُ وَ كَثِيرُهُ قَاتِلٌ.  
۲۸- إِذَا قَدَّرْتَ عَلَى عَدُوِّكَ، فَاجْعَلِ الْعَفْوَ عَنْهُ شُكْرًا لِلْقُدْرَةِ عَلَيْهِ.  
۲۹- «وَ اَعْمَلُوا صَالِحًا إِنِّي بِمَا تَعْمَلُونَ عَلِيمٌ»  
۳۰- «وَ اجْعَلْ لِي لِسَانَ صِدْقٍ فِي الْآخِرِينَ»  
۳۱- «الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضَ وَ جَعَلَ الظُّلُمَاتِ وَ النُّورَ»

و. كَمِّلِ الْفَرَاقَاتِ فِي التَّرْجِمَةِ: (جاهای خالی را در ترجمه کامل کن.)

- ۳۲- أَنْظُرْ إِلَى مَا قَالَ وَ لَا تَنْظُرْ إِلَى مَنْ قَالَ.  
۳۳- أَطْلُبُوا الْعِلْمَ وَ لَوْ بِالصَّيْنِ فَإِنَّ طَلَبَ الْعِلْمِ فَرِيضَةٌ.  
۳۴- هَاتَانِ الرَّجَايَتَانِ فِي الْعُرْفَةِ وَ هَذَانِ كُرْسِيَانِ.  
۳۵- لَا تَنْظُرُوا إِلَى كَثْرَةِ صَلَاتِهِمْ وَ صَوْمِهِمْ وَ كَثْرَةِ الْحَجِّ ... وَلَكِنْ أَنْظُرُوا إِلَى صِدْقِ الْحَدِيثِ وَ آدَاءِ الْأَمَانَةِ.  
به بسیاری نمازشان و ..... و بسیاری حج گزاردن ..... بلکه به ..... و ..... آن ها .....

ز. عَيِّنِ التَّرْجِمَةَ الصَّحِيحَةَ: (ترجمه درست را مشخص کن.)

۳۶- «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لِمَ تَقُولُونَ مَا لَا تَفْعَلُونَ»

- ۱) ای کسانی که ایمان آوردید چرا می گوید آن چه را که انجام نمی دهید.  
۲) ای کسانی که ایمان آوردید چرا می گوید آن چه را که انجام نخواهید داد.

۳۷- «رَبَّنَا لَا تَجْعَلْنَا مَعَ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ»

- ۱) پروردگارا، ما را با قوم ظالم قرار نمی دهی.  
۲) پروردگارا، ما را با قوم ستمگر قرار نده.

۳۸- إِذَا مَلَكَ الْأَرَادِلُ هَلَكَ الْأَفْضَلُ.

- ۱) هرگاه فرومایگان مالک قدرت شدند، شایستگان هلاک می شوند.  
۲) هرگاه فرومایگان به فرمانروایی برسند، شایستگان هلاک می شوند.

ح عَيْنَ التَّرْجَمَةِ الصَّحِيحَةَ يَمَا تَحْتَهُ حُخًا: (ترجمه درست برای آن چه زیرش خط است را مشخص کن.)

۳۹- «وَأَجْعَلْ لِي لِسَانَ صِدْقٍ فِي الْآخِرِينَ»

و برای من (یاد نیکو  زبان راستگویی ) در آیندگان قرار ده.

۴۰- «الْكَلَامُ كَالدَّوَاءِ؛ قَلِيلُهُ يَنْفَعُ وَكَثِيرُهُ قَاتِلٌ»

سخن مانند (دعا  دارو ) است؛ اندکش (شفا می دهد  سود می رساند ) و بسیاریش کشنده است.

۴۱- أَحَبُّ أَنْ أُسَافِرَ إِلَى مَدِينَتِكُمْ طَهْرَانَ.

دوست دارم (که سفر کنم  سفر می کردم ) به شهر شما تهران.

ط تَرْجِمُ: (ترجمه کن.)

۴۵- هُوَ لَاءَ صَالِحُونَ: .....

۴۲- هَذِهِ بَطَّارِيَةٌ: .....

۴۶- هُوَ لَاءَ الرَّمْلَاءِ: .....

۴۳- ذَلِكَ الصَّدِيقُ: .....

۴۷- هَاتَانِ التَّافِذَتَانِ: .....

۴۴- وَأَوْلَتْكَ فَانَزَاتُ: .....

### مهارت شناخت و کاربرد قواعد

ی تَرْجِمِ الْأَفْعَالَ التَّالِيَةَ: (فعل های زیر را ترجمه کن.)

۴۸-

لا تَجْعَلُ: .....	إِحْتَا: .....	هَلَكْنَ: .....
ما شَرِبْتُمْ: .....	كَانُوا يَدْخُلُونَ: .....	لا تَزْرَعِي: .....
سَوْفَ يَنْفَعُ: .....	لا أَعْلَمُ: .....	سَتَكْتَبَانِ: .....

ک أَكْتُبُ وَزْنَ الْكَلِمَاتِ التَّالِيَةِ: (وزن کلمه های زیر را بنویس.)

۴۹- رَايَسِبُ: .....

مَسْرُورُ: .....

إِحْتِهَادُ: .....

قَبِيحُ: .....

مَتْرَاكِمُ: .....

مُخْتَلِفَةٌ: .....

ل اُزْسِمُ عَقَارِبَ السَّاعَاتِ: (عقربه های ساعت ها را رسم کن.)

۵۰-



(ج)

العاشرَةُ وَ النَّصْفُ



(ب)

السَّادِسَةُ وَ الرَّبْعُ



(ف)

الثَّامِنَةُ إِلَّا رُبْعًا

م اِنتَخِبِ الْفِعْلَ الْمُنَاسِبَ لِلْفَرَاقَاتِ: (فعل مناسب را برای جاهای خالی انتخاب کن.)

۵۳- ..... إِلَى النَّجْفِ الْأَشْرَفِ الْأَسْبُوعِ الْقَادِمِ.

۵۱- ..... ، هُنَا مَمْنُوعٌ.

سَافَرْتُ

سَأَسْأَلُ

لَا تَقْتَرِبْ

اقْتَرِبْ

۵۴- الْمَعْلُومُونَ ..... عَنْ حَلِّ لِهَذِهِ الْمَشْكَلَةِ.

۵۲- أَتَيْهَا الصَّدِيقُ؛ لِمَاذَا ..... وَاجِبِكَ أَمْسَ؟

كَانَ يَبْحَثُ

كَانُوا يَبْحَثُونَ

لَا تَكْتَبُ

مَآكْتَبَتٌ



ن) ضَعِ الكَلِمَاتِ التَّالِيَةَ فِي مَكَانِهَا الْمُنَاسِبِ: (كلمات زیر را در جای مناسبشان قرار بده.)

۵۵-

الأعداد، زَمَان، مُجْتَهِدِينَ، مُنْتَشِرَةً، صَدِيقَتَانِ، سَنَوَاتٍ، مُوظَّفِينَ

مفرد مؤنث: ..... جمع مذکر سالم: .....  
مثنی مؤنث: ..... مفرد مذکر: .....

س) عَيِّنِ الْمَاضِي وَالْمَضَارِعَ وَالْأَمْرَ وَالنَّهْيَ فِي الْعِبَارَاتِ التَّالِيَةِ: (ماضی و مضارع و امر و نهی را در عبارات های زیر مشخص کن.)

۵۶- «اعْمَلْ لِدُنْيَاكَ كَأَنَّكَ تَعِيشُ أَبَدًا وَ اعْمَلْ لِآخِرَتِكَ كَأَنَّكَ تَمُوتُ غَدًا» ۵۸- قَوْلُ «لَا أَعْلَمُ» يَصِفُ الْعِلْمَ  
۵۷- «وَ يَنْفَكَّرُونَ فِي خَلْقِ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ رَبَّنَا مَا خَلَقْتَ هَذَا بَاطِلًا» ۵۹- «وَ اعْمَلُوا صَالِحًا إِنِّي بِمَا تَعْمَلُونَ عَلِيمٌ»

ع) ضَعِ الْأَفْعَالَ التَّالِيَةَ حَسَبَ مَا بَيْنَ الْقَوْسَيْنِ: (فعل های زیر را طبق آن چه بین دو پرانتز آمده است، بساز.)

۶۰- الفعل الماضي مِنْ «فَعَلَ»، لِلْغَائِبِينَ: .....  
۶۱- فعل الأمر مِنْ «تَنْظُرِينَ»: .....  
۶۲- فعلٌ مضارعٌ لِلنَّهْيِ مِنْ «عَمَلٌ»، لِلْمَخَاطَبَاتِ: .....  
۶۳- فعلٌ مُسْتَقْبَلٌ مِنْ «قَدَّرَ» لِلْمُتَكَلِّمِ وَحْدَهُ: .....

### مهارت درک و فهم

ف) اُكْتُبْ فِي الْفَرَاقَاتِ كَلِمَةً مُنَاسِبَةً: (در جاهای خالی کلمه مناسب بنویس.)

۶۴- یومُ السَّبْتِ، .....، الإِثْنَيْنِ، .....، الأَرْبَعَاءِ.  
۶۵- الرَّبِيعُ، .....، الخَرِيفُ، .....  
۶۶- الأَوَّلُ، .....، الثَّالِثُ، .....، الخَامِسُ.  
۶۷- نَأْكُلُ الْفُطُورَ فِي ..... وَ ..... فِي الظَّهْرِ وَ الْعِشَاءِ فِي .....

ص) عَيِّنِ الْكَلِمَةَ الْمُنَاسِبَةَ لِلتَّوْضِيحَاتِ التَّالِيَةِ: (کلمه مناسب را برای توضیحات زیر مشخص کن.)

۶۸- بُخَارٌ مُتْرَاكِمٌ فِي السَّمَاءِ يَنْزِلُ مِنْهُ الْمَطَرُ.      الماء      الغيم      السماء  
۶۹- كوكبٌ يدورُ حَوْلَ الْأَرْضِ؛ ضِياوَةٌ مِنَ الشَّمْسِ.      القمر      الدَّرُّر      التَّجَمُّ  
۷۰- مِنَ الْأَحْجَارِ الْجَمِيلَةِ الْعَالِيَةِ ذَاتِ اللَّوْنِ الْأَبْيَضِ.      الدَّرُّر      الأَنْعَمُ      الدَّزَّر  
۷۱- مِنَ الْمَلَابِسِ النَّسَائِيَّةِ ذَاتِ الْأَلْوَانِ الْجَمِيلَةِ.      القَمِيصِ      الفُسْتَانِ      السَّرْوَالِ

ق) اِقْرَأِ النَّصَّ التَّالِيَّ ثُمَّ أَجِبْ عَنِ الْأَسْئَلَةِ: (متن زیر را بخوان سپس به سوالات پاسخ بده.)

\* «أنا مِنَ الْجُمْهُورِيَّةِ الْإِسْلَامِيَّةِ الْإِيرَانِيَّةِ. إِسْمِي حَسِينٌ. مَعَ الْأَسْفِ، ما سافَرْتُ إِلى الْعِرَاقِ حَتَّى الْآنَ لَكِنِّي أَحِبُّ أَنْ أُسَافِرَ. شَاهَدْتُ زائِرَ مَرَقِدِ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ فِي قَاعَةِ الْمَطَارِ وَ سَأَلْتُهُ: هَلْ سافَرْتُ إِلى التَّجْفِ الْأَشْرَفِ حَتَّى الْآنَ؟! أَجَابَ: لا، إِنَّ شاءَ اللهُ أُسَافِرُ الْيَوْمَ.»  
۷۲- هَلْ سافَرَ حَسِينٌ إِلى التَّجْفِ الْأَشْرَفِ؟  
۷۳- أَيْنَ شَاهَدَ حَسِينٌ الزائِرَ؟  
۷۴- مَتَى يُسَافِرُ الزائِرُ مِنَ إِيرانِ؟  
۷۵- كَمَ فَعَلًا ماضِيًا فِي النَّصِّ؟  
۷۶- عَيِّنِ اسْمًا عَلَى وَزْنِ «فَاعِلٌ»:

\* «أَيُّهَا الرَّمْلَاءُ! أَنْظَرُوا إِلى تِلْكَ الشَّجَرَةِ الَّتِي ذَاتِ الْغُصُونِ النَّصْرَةِ وَ الْخَصْرَةِ. هَلْ تَعْلَمُونَ كَيْفَ نَمَتِ مِنْ حَبَّةٍ وَ كَيْفَ صَارَتْ شَجَرَةً؟! ذاكَ هُوَ اللهُ الَّذِي أَنْعَمَ مُنْهَمَرَةً وَ ذُو حِكْمَةٍ بِالْعِزِّ وَ قَدْرَةٍ مُقْتَدِرَةٍ. هُوَ أَوْجَدَ فِي اللَّيْلِ الْقَمَرَ وَ زَانَهُ بِأَنْجَمِ كَالدَّرْرِ الْمُنْتَشِرَةِ.»

۷۷- مِنَ أَيِّ شَيْءٍ تَنْمُو الشَّجَرَةُ؟

۷۸- بِمِ شَبَّهْتُ الْأَنْجَمَ؟

۷۹- مَنْ هُوَ اللهُ حَسَبَ النَّصِّ؟

۸۰- عَيِّنِ جَمْعًا مَكْسَرًا فِي النَّصِّ.

## مهارت مکالمه

ر اَجِبْ عَنِ السُّؤَالَاتِ: (به سؤالات پاسخ بده.)

- ۸۱- هل سافرت إلى إيران حتى الآن؟ .....
- ۸۲- كيف حالك؟ .....
- ۸۳- من أين أنت؟ .....
- ۸۴- ما اسمك؟ .....

ش رَتَّبِ الْكَلِمَاتِ وَ اَكْتُبْ سؤَالَ و جواباً صحيحاً: (کلمات را مرتب کن و سؤال و جوابی درست بنویس.)

- ۸۵- إسمي / حسين / ؟ / ما / الكريم / . / اسمك
- ۸۶- إلى / هل / مع / سافرت / . / ؟ / لا / إيران / ؛ / الأسف

## پاسخ سؤالات امتحانی درس

۲۰. خدا از ابر باران را فرو می‌فرستد (نازل می‌کند).
۲۱. به کسی که در زمین است رحم کن تا آن که در آسمان است به تو رحم کند.
۲۲. برای دنیایت چنان کار کن گویی همیشه زندگی می‌کنی و برای آخرت چنان کار کن گویی فردا می‌میری.
۲۳. پیراهن از لباس‌های زنانه دارای رنگ‌های گوناگون است.
۲۴. در اینترنت با کتابخانه به دنبال متنی کوتاه درباره بزرگی آفریده‌های خدا بگرد.
۲۵. و در آفرینش آسمان‌ها و زمین می‌اندیشند پروردگارا این را ببهوده نیافریدی.
۲۶. کوه‌های کبیر کوه در شهر بدره در استان ایلام است.
۲۷. سخن مانند داروست، اندکش سود می‌رساند و بسیارش کشنده است.
۲۸. هرگاه به دشمنت قادر شدی، بخشیدن او را شکرانه قدرت یافتن بر او قرار بده.
۲۹. و کار نیکو انجام دهید به درستی که من به آن چه انجام می‌دهید آگاهم.
۳۰. و برای من یاد نیکو در میان آیندگان قرار بده.
۳۱. ستایش از آن خدایی است که آسمان‌ها و زمین را آفرید و تاریکی‌ها و روشنایی را بنهاد.
۳۲. به آن چه گفته است بنگر و به آن که گفته است ننگر.
۳۳. دانش را طلب کنید (بخواهید) گرچه در چین باشد زیرا خواستن دانش واجب دینی است.
۳۴. این دو شیشه در اتاق است و اینان دو صندلی هستند.
۳۵. به بسیاری نمازشان و روزه‌شان و بسیاری حج گزاردن ننگرید بلکه به راستی گفتار و امانتداری آن‌ها بنگرید.
۳۶. (۱) لا تَفْعَلُونَ: انجام نمی‌دهید.
۳۷. (۲) لا تَجْعَلْنَا: ما را قرار نده.
۳۸. (۲) مَلَكٌ: به فرمانروایی برسند - هَلَكٌ: هلاک می‌شوند
۳۹. یاد نیکو

۱. ابر، فرو فرستاد
۲. شکافت، دیده
۳. زیان
۴. پاره آتش
۵. رخصیة (غالبه) ممنوع (مسموح) ناجح (فایز)
- (ارزان) (ممنوع) (مجاز) (برنده، پیروز)
- نور (روشنایی) زَقَدَ (نام) یَسار (یمین)
- (چپ) (راست)
۶. أَفْضَلُ ← أَفْضَلُ أَغْصان ← غُصْنُ دَرْ ← دُرَّرُ
- نَفْسُ ← أَنْفُسُ أَصْدِقَاءَ ← صَدِيقُ جَبَلِ ← جِبَالُ
۷. دانه - درخت - روشنایی - تر و تازه
۸. ستارگان - مرواریدها - ستارگان - ابر
۹. آسمان - باران - زمین - کامل
۱۰. پیراهن زنانه - شلوار - پیراهن مردانه - گران
۱۱. به آن درخت که دارای شاخه‌های سرسبز است، نگاه کن.
۱۲. آن درخت از دانه‌ای رشد کرد و درخت شد.
۱۳. آن همان خداست که انسان را با نیرویی اندیشمند مجهز کرد.
۱۴. خدا باران را از ابر فرو فرستاد پس زمین را با آن بعد از غبار آلودگی سرسبز می‌گرداند.
۱۵. ای دانشجو، جست‌وجو کن و بگو: کیست آن که از درخت میوه را خارج می‌کند؟!
۱۶. خورشید روشنایی دارد و پاره آتش آن فروزان است و در آن نوری است و توسط آن حرارتی پخش شده است.
۱۷. آیا می‌دانی این کیست که خورشید را در آسمان همانند پاره آتش پدید آورد؟
۱۸. آن همان خدایی است که نعمت‌هایش ریزان است و دارای حکمتی کامل است.
۱۹. خدا در شب ماه را پدید آورد و آن را با ستارگانی مانند مرواریدهای پراکنده زینت داد.



۴۰. دارو - سود می‌رساند.

۴۱. که سفر کنم

۴۲. این یک باتری است.

۴۳. آن دوست

۴۴. آنان برندگان (برنده) هستند.

۴۵. اینان درستکاران (درستکار) هستند.

۴۶. این هم‌شاگردی‌ها

۴۷. این دو پنجره

۴۸. لا تَحْجَلْ: قرار نده - اِحْتَا: جست‌وجو کنید - هَلَكْنَ: هلاک شدند -

ما شَرِبْتُمْ: نوشیدید - كانوا يَدْخُلُونَ: داخل می‌شدند - لا تَزْعِي: نکار -

سَوْفَ يَنْفَعُ: سود خواهد رساند - لا أَعْلَمُ: نمی‌دانم - سَتَكْتَبَانِ: خواهند

نوشت، خواهید نوشت

۴۹. رایب: فاعل مَسْرُور: مفعول اجتهاد: إفتعال

مُخْتَلِفَةٌ: مُتَّفَعِلَةٌ متراکم: مُتَّفَاعِلٌ قَبِيح: فَعِيلٌ

۵۰.



(ب)



(الف)



(ج)

۵۱. لا تَقْتَرِبْ (نزدیک نشو؛ این جا ممنوع است).

۵۲. ما كَتَبْتُ (ای دوست؛ چرا تکالیف را دیروز ننوشتی؟)

۵۳. سَأَسَافِرُ (هفته آینده به نجف اشرف مسافرت خواهم کرد).

۵۴. كانوا يَبْحَثُونَ (معلمان به دنبال راه‌حلی برای این مشکل می‌گشتند).

۵۵. مفرد مؤنث: مُنْتَشِرَةٌ، مثنی مؤنث: صَدِيقَتَانِ، جمع مذکر سالم: مُجْتَهِدِينَ،

مفرد مذکر: رَمَانٌ، مثنی مذکر: مُؤَظَّفَيْنِ، جمع مؤنث سالم: سَنَوَاتٌ،

جمع مکسر: الأعداد

۵۶. اِعْمَلْ: فعل امر / تَعِيشْ: فعل مضارع / اِعْمَلْ: فعل امر / تَمَوْتُ: فعل مضارع

۵۷. يَتَفَكَّرُونَ: فعل مضارع / ما حَلَقْتَ: ماضی منفی

۵۸. لا أَعْلَمُ: فعل مضارع منفی

۵۹. اِعْمَلُوا: فعل امر / تَعْمَلُونَ: فعل مضارع

۶۰. فَعَلُوا

۶۱. اَنْظُرِي

۶۲. لا تَعْمَلَنَّ

۶۳. سَأَقْدِرُ، سَوْفَ أَقْدِرُ

۶۴. الأحد (یک‌شنبه)، الثلاثاء (سه‌شنبه)

۶۵. الصَّيْفُ (تابستان)، الشَّتَاءُ (زمستان)

۶۶. الثَّانِي (دوم)، الرَّابِع (چهارم)

۶۷. الضَّباح (صبح)، الغَداء (ناهار)، اللَّيْل (شب)

۶۸. بخاری متراکم در آسمان که از آن باران پایین می‌آید.

آسمان  ابر  آب

۶۹. سیاره‌ای که به دور زمین می‌چرخد، نورش از خورشید است.

ستاره  مرواریدها  ماه

۷۰. از سنگ‌های زیبای گران‌قیمت دارای رنگ سفید.

طلا  نعمت‌ها  مرواریدها

۷۱. از لباس‌های زنانه دارای رنگ‌های زیبا.

پیراهن مردانه  پیراهن زنانه  شلوار

ترجمه متن: من از جمهوری اسلامی ایران هستم. اسم من حسین است. متأسفانه تا الان به عراق مسافرت نکردم ولی دوست دارم که مسافرت کنم. زائر مرقد امیرمؤمنان را در سالن فرودگاه دیدم و از او پرسیدم: آیا تا الان به نجف اشرف مسافرت کرده‌ای؟! پاسخ داد: خیر، اگر خدا بخواهد امروز مسافرت می‌کنم.

۷۲. آیا حسین به نجف اشرف مسافرت کرد؟ لا، ما سَأَفَرُ (خیر، سفر نکرد)

۷۳. حسین زائر را کجا دید؟ في قاعة المطار (در سالن فرودگاه)

۷۴. زائر کی از ایران مسافرت می‌کند؟ اليوم (امروز)

۷۵. چند فعل ماضی در متن است؟ سِتَّة (شش): ما سَأَفَرْتُ، شاهدتُ،

سَأَلْتُ، سَأَفَرْتُ، أَجَابْتُ، شاء

۷۶. اسمی بر وزن فاعل را مشخص کن: زائر (فاعل)

ترجمه متن: ای هم‌شاگردی‌ها! به آن درختی که دارای شاخه‌های تر و تازه و سرسبز است نگاه کنید. آیا می‌دانید چگونه از دانه‌ای رشد کرد و چگونه درخت شد؟! آن همان خداست که نعمت‌هایش ریزان و دارای حکمتی کامل و قدرتی نیرومند است. او در شب ماه را پدید آورد و آن را با ستارگانی مانند مرواریدهای پراکنده زینت داد.

۷۷. درخت از چه چیزی رشد می‌کند؟ مِنْ حَبَّةٍ (از یک دانه)

۷۸. ستارگان به چه چیز تشبیه شده‌اند؟ الدَّرر المنتشرة (مرواریدهای

پراکنده)

۷۹. خدا بر اساس متن کیست؟ هو الَّذِي أَنْعَمَ مِنْهُمُ و ذو حكمة بالغية

و قدرة مُقْتَدِرَةٌ (او کسی است که نعمت‌هایش ریزان و دارای حکمتی

کامل و قدرتی نیرومند است).

۸۰. یک جمع مکسر در متن مشخص کن. الزَّملاء - العُصون - أنعم - أنجم -

الدَّرر

۸۱. آیا تا الان به ایران مسافرت کردی؟ - لا، مع الأسف (خیر؛ متأسفانه).

۸۲. حالت چطور است؟ - أنا بخير، الحمد لله (من خوبم، شکر خدا).

۸۳. تو اهل کجایی؟ - أنا عراقية (من عراقی هستم)

۸۴. اسمت چیست؟ - اسمي علي (اسم من علی است).

۸۵. ما اسمك الكريم؟ اسمي حسين.

۸۶. هل سَأَفَرْتُ إلى إيران؟ لا؛ مع الأسف.